

جلفای جدید

کلیسا های آرامنه و سایر ساختمانها

معرفی کنندگان: ك - او - میناسیان و. ره . پیندرو یلسون
ترجمان : وزیر

نوشتۀ: جون کارسول با ۱۰۴ عکس که ۸ عدد آن رنگی میباشد و ۲۴ تصویر
مر بوط بمتن کتاب - اکتبر ۱۹۶۸

این کتاب زیبا نتیجه مطالعاتی است که درباره ابنیه آرامنه در جلفای
جدید توسط پرفسور کارسول Carwell به ابتکار مؤسسه خیریه گلبنگیان
به‌زشته تحریر درآمده است. در مقدمه کتاب تاریخ چگونگی استقرار آرامنه
جلفای ارس را در ساحل چپ زاینده رود تشریح نموده و رویدادهائی را که طی
قرن مسعود ۱۷ تا اوایل قرن ۱۸ که دوران انحطاط آن شروع گردید
دنبال میکند. بازرگانان ارمنی با وابستگیان بازرگانی خود در غرب در روسیه -
در هندوستان - در سیام - در جاوه و در فیلیپین با اندازه همکاران انگلیسی و هلندی
خود بی‌باک و مخاطره طلب بودند. کالای عمده ایشان ابریشم بود که به اروپا
وروسیه صادر نموده در مقابل اجناس تجملی از قبیل البسه آئینه - ساعت و تابلوهای
نقاشی وارد میکردند. موفقیت بازرگانی ایشان تا اندازه‌ای مرهون عنایات
شاهانه (پادشاهان صفوی) بود و وقتی که در قرن ۱۸ از این مراسم و پشتیبانی
محروم گشتند و اقلیت آرامنه مجبور به پرداختن جزیه گردیدند عده زیادی
در جستجوی ثروت بروسیه و جاهای دیگر عزیمت نمودند. جلفای جدید دارای
۲۴ کلیسا بود که امروز ۱۳ باب آن باقیمانده و هشت باب آن در زمان سلطنت
شاه عباس کبیر ساخته شده است.

صنعت چاپ با حروف متحرک از اروپا بایران آورده شد و اولین کتاب
ارمنی در ونیز venise بسال ۱۵۱۲ چاپ گردید. کارسول در صفحه ۱۰ کتاب

خود اظهار میدارد که کتاب (زندگانی پدران) که در سال ۱۶۴۱ انتشار یافت اولین کتابی بود که در جلفا بطبع رسید لکن در حقیقت کتاب مزامین در سال ۱۶۳۸ و کتاب زادالمعاد در سال ۱۶۴۱ چاپ شده بود. برای چاپ انجیل ارمنی اقداماتی بعمل آمدولی بزودی از چاپ آن صرف نظر گردید و این انصراف بواسطه تعصب و صلاح اندیشی فقها که تاورنیه ارائه میداد نبود بلکه با احتمال قوی اشکالات فنی موجب شده بودند که انجیل مزبور بچاپ نرسد. اولین انجیل ارمنی باتصاویر با سمه‌ای توسط وان سیشم **van Siche** که دورر **Dorer** آنرا تکمیل نمود در سال ۱۶۶۶ در آمستردام تحت نظر (طلاب اسکان **Oskan** جلفا) بطبع رسید.

در توصیف و تشریح ۱۳ کلیسایی که در جلفا هنوز بیجا مانده اند کارسول از «تاریخ جلفای جدید در اصفهان» بقلم هوهانناتس استفاده مینماید. این کتاب پس از مرگ مؤلف آن که در سال ۱۸۷۱ اتفاق افتاد در دو جلد توسط چاپخانه (کلیسای جامع ناجی همگان) - «حضرت مسیح» بچاپ رسید. در مواردی چند کارسول نوشته هوهانناتس را صحیحاً استنباط نموده و بالنتیجه دچار اقلا دو اشتباه بزرگ گردیده. کارسول در صفحه ۳۰ کتاب خود مینگارده که هوهانناتس ساختمان کلیسای جامع ناجی همگان را «حضرت مسیح» بین سالهای ۱۶۵۸-۹ و ۱۶۶۲ میدانند حال آنکه در واقع هوهانناتس بکلیسای جامع اشاره نکرده و بکلیسای ناجی همگان در محله ایروان اشاره مینماید. ساختمان کلیسای جامع در سال ۱۶۰۶ شروع و بین سالهای ۱۶۵۵ و ۱۶۶۴ تجدید بنا میگردد.

اشتباه دوم کارسول در شرحی است از کلیسای سن سارجیس **St Sargis** (صفحه ۴-۵۲) که همان کلیسای ناجی همگان (حضرت مسیح) در محله ایروان میباشد و فوقاً بدان اشاره شد (صفحه ۲۲۳-۲۱۸) و آن بین سالهای ۱۶۶۳-۱۶۵۹ ساخته شد و بعداً از طرف اوهان **Ohan** اسقفی که مخالف عقیده عموم بود اشغال و ویران گردید. نام سن سارجیس بکلیسای ناجی همگان (حضرت مسیح) داده شد.

شرح هر کدام از کلیسیاها منضم بنقشه‌ای سطحی و مقطعی است که تحقیق سهم جلفا در معماری کلیسایی بر اساس و پایه این نقشه‌ها است. فرم کلیسا همان فرم باستانی است که بمنظور آنکه جوابگوی نیازمندیهای نماز عشاء ربانی باشد آنرا در ارمنستان تکمیل نموده‌اند. مصالح ساختمانی و همچنین

تأجادی تزئینات کلیساها همان میباشد که در دوران صفویه معمول بوده است. مصالح عمده ساختمان از آجر پخته است. یک سلسله طاقهای کوچکی به شکل دائره تعبیه شده که گنبد کلیسا را تقویت نماید. چهار طاقی مرکزی عمومیت داشته و طاقنماهایی ساخته شده اند که سطح دیوارها را منفصل نمایند. در خارج از ساختمان از استعمال کاشی کاری صرفه جوئی شده لکن چهارچوب درهای ورودی جالب توجه میباشد. در داخل ساختمان نقاشیهائی بر دیوار بر کاشی کاری و گچ بری توفیق دارند.

کارسول در خصوص اصالت کاشیها اظهار نظر کرده مینویسد که چون آنها دارای نوشته هائی بزبان ارمنی میباشد توسط استادکاران ارمنی ساخته شده اند. خوشبختانه از این نوشته های یادگاری میتوانیم تاریخ بعضی از نقوش بر دیوار را تعیین کنیم ولی باید در نظر داشت که این تاریخها الزاماً تاریخ ساختن کاشیها نمیباشند. مخصوصاً سه قفزه نقاشی که در زمینه سنتوری درب غربی کلیسای جامع (عکس ۱۳) و در بهای غربی و شمالی کلیسای سن جورج (عکس ۱۹ - ۲۰ الف) جالب توجه تر میباشد. هر چند که تاریخ آن نقاشی اخیر بسال ۱۷۱۹ میباشد نه ۱۶۱۹ آنطور که کارسول نوشته است. دو کتیبه زیبای سن سارجیس (عکس شماره ۵۴ - ۵۵) منحصر بفرد میباشد زیرا گرچه از نقطه نظر فنی قطعاً کار اصفهان میباشد ولی همانطور که کارسول اظهار میدارد سبک آن از نقاشان معاصر هندی الهام گرفته شده.

دیوار چندی از کلیساها با نقاشیهائی زینت یافته اند که ظاهراً طرح ریزی آنها از روی شمایل سازی صورت گرفته اند و شایسته مطالعه و تدقیق میباشد. سلسله آثار کلیسای جامع ناجی همگان (حضرت مسیح) تحت چنین مطالعه و مذاقهای قرار گرفته و نیز شرح داده شده که این آثار کاریکی از هنرمندان مکتب ایتالیائی و فلمنگ قرن ۱۷ میباشد. منبع این آثار را ظاهراً باید در تصاویر انجیل سیشم که نمونه هائی از آن قبل از آنکه انجیل ارمنی بچاپ برسد جستجو کرد که به جلفا آورده شده. شاید نتوان نقاش یا نقاشان این آثار را بدرستی تعیین نمود چون کارسول اسم چندین نفر را ذکر میکند و اروپائیان نقاشان هلندی را اسم می برند بهر حال نام فیلیپ آنجل Philip Angel ولوکار Lokar را به آنهائی که کارسول نام میبرد باید افزود. در سال ۱۶۵۱ آنجل بنمایندگی شرکت هند شرقی هلند به ایران مسافرت میکند و از سال ۱۶۵۳ تا سال ۱۶۵۶ نقاش دربار شاه عباس ثانی بوده با وصف این احتمال نمیرود که نقاشیهای کلیسای جامع را

که از سال ۱۶۵۵ تا سال ۱۶۶۴ تجدید ساختمان شد ترسیم کرده باشد .
نقشهای قسمت سفلی دیوار کلیسای جامع و کلیسای سن استفان
Holy Mother of God و کلیسای مادرمقدس **St. Stephan**
و کلیسای بیت اللحم (عکس ۴۷ الف) که بر سبک معاصر اصفهان ترسیم
شده اند بنظر میرسد که از نقشهای غربی تقلید شده باشند .

همچنین کارسول دوخانه را درمحل تبریز جلفا تشریح مینماید ، بخش
زنانه خانه در قسمت شرقی که هنوز پا برجا است و دارای لواحقى به طرف
مغرب میباشد که شاید آنرا برای خدمه ساخته باشند در روی نقشه خانه «الف»
(صفحه ۶۵) از قلم افتاده است .

نقاشی های روی گچ که در طاقچه ها در انتهای هر کدام از ایوانها هستند
از انواع کاملاً استثنائی میباشد که می شود آنها را با نقاشی ایوانهای چهل ستون
قیاس نمود . از طرز لباس پوشیدن اروپائینی که دیده میشوند میتوان گفت که
نقاشی ها باید مربوط به ربع سوم قرن ۱۷ باشند . منظره ای که روی دیوار در
پائین دوردیف نقاشی (عکس VI - ۷۱ و ۷۲) دیده می شود بطوریکه از کتیبه -
هائی که بخط ارمنی ولاتین برمی آید منقحات ماهانه را نمایش میدهند و نقاشی -
هائی که در طاقچه های کوچک در داخل گنبد سالن پذیرائی دیده می شوند بطور
شگفت انگیزی به نقاشی های چهل ستون که اخیراً تعمیر شده اند شباهت
دارند .

سرانجام نکاتی چند درباره کتیبه ها : آنهایی که بچاپ رسیده اند و از
منتخبات میباشد صحیحاً استنساخ نشده اند . انتشار کتیبه های ارمنی در جلفا
مصرا نه مورد تقاضا میباشد ، استنساخ کتیبه ای که در قسمت داخلی چار چوب
در ب شمالی کلیسای جامع (صفحه ۳۲) میباشد احتیاج به تصحیح دارد . مادامرت
Mert و ماداممر (ح) (م) ت باید مر تاتیکین **Mer Tatiken** و مریم تاتیکین
Mariam Tatikon «مادرس تاتیک Mary» و «زوجه اش مر م **Mariam**
نوشته شود . نام پاراسین **Parasin** پیچیده و ناماً نوس نیست و همان نام فارسی
«پری» (فرشته) است . حروف بزرگ ارمنی که رقم یکصد را نشان میدهد نباید

نماینده ۹۰۰ باشد بلکه نماینده ۱۰۰۰ بوده و معادل تاریخ ۱۰-۱۷۰۹ می باشد. در کتیبه روی کاشی بالای درب غربی کلیسای سن جورج (صفحه ۳۷) بجای جنت اون (این) (janet'on(in) باید جختاون (این) (jahhaws (in) که ترکیبی از دو لغت جاه (jah) و خاتون (Khatuns) که نامی معمولی برای زنان است نوشته شود. در کتیبه‌ای که مربوط به بعد تیشیر (بارگرفتن حضرت مریم) در بالای درب جنوبی سن سارجیس (صفحه ۵۴) میباشد اسم اشتباهاً استنساخ گردیده . بجای آپرانسان Er' ransan اپ رانتز Er'ranintz و بجای سهیت اون Sephet'on باید الفاتون (این) Olfotun(in) که طبق تلفظ محلی افلاطون Aflatun یا الفاتون Alfatum (پروژ) نوشته شود .

در نحوه استنساخ که از زبان ارمنی در این کتاب پیش گرفته شده انتقادی را ممکن است جایز دانست. حرف ی در کلمات یوهانیا تکس youhaniontz یاروت این yarut'in - یا کوب yahob مانند حرف ه (ها) تلفظ شده اند که ممکن است صحیح ترین طرز تلفظ این حرف باشد. استعمال حرف ی Y بر استی ممکن است گمراه کننده باشد. مثلاً هیز پتک hishatah (بیاد بود) چنانچه ایزتیک yishateh نوشته شود (زیر شکم الاغ معنی میدهد) از طرف دیگر کلمه ارمی ermie (صفحه ۴۵) حرف اول آن ی Y است که باید همانطور نوشته شود.

این ضامم ملحقات مفیدی است که حاوی خلاصه نوشته‌های سیاحان اروپائی است که درباره جلفا و مردمان آن نوشته اند. این کتاب بخوبی بچاپ رسیده و عکسهای آن کاملاً رضایت بخش میباشند. پروفیسور کارسول باعرضه داشتن این اثر جالب توجه کار بر حسته‌ای انجام داده و امیدوار است که این کتاب موجب تفحصات بیشتری در این موضوع کوچک لکن مشهور بشود .